

مُثُل

www.ketab.ir

مؤلف:

هادی آذری

سرشناسه: آذری، هادی، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: مَثَل / مولف هادی آذری.

مشخصات نشر: تهران - فرهوش - ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۹۲-۴۹-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: فلسفه تعلیمی

رده‌بندی کنگره: ۳۹۶ / ۸۱۴ الف / BBR۵۵

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹ / ۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۰۰



کتابشناسی

هادی آذری



ناظر فنی: صدیقه طلایی

صفحه آرا: معین دلاوری

طراح جلد: علی عشقی

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال



کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر است.

آدرس: تهران - میدان انقلاب اسلامی - خیابان کارگر شمالی بالاتر از نصرت - پلاک ۱۱۴۶

تلفن: ۶۶۵۶۹۸۹۱ و ۶۶۹۳۱۶۶۹ دورنگار: ۸۹۷۸۴۵۵۸

وب سایت: www.hamyari.in

فهرست مطالب

۸	پیشگفتار
۱۰	مقدمه
۱۲	بخش اول: در آمدی بر نظریه مثل
۱۳	مقدمه
۱۳	زندگی نامه افلاطون
۱۴	زندگی نامه ابوالدین سهروردی
۱۵	زندگی نامه صدرالمتهلین
۱۶	نظریه مثل افلاطونی
۱۶	علل پیدایش نظریه مثل در مکتب افلاطون
۱۹	جستجوی هستی اصیل
۲۰	سیر تاریخی نظریه مثل
۲۱	اسطوره ی غار
۲۳	ایده ها
۲۶	ایده ها و راههای شناخت آنها
۲۹	مثل و هستی شناسی
۳۰	مثل و معرفت شناسی
۳۱	مثل و مثال
۳۲	تفاوت مثل و مثال از دیدگاه فلاسفه مسلمان
۳۴	دیدگاه ارسطو پیرامون مثل
۳۶	مثل از دیدگاه افلوپطین و نوافلاطونیان
۳۹	نظریه ابن سینا پیرامون مثل
۴۱	دیدگاه علامه طباطبائی درباره مثل افلاطون و ارباب انواع
۴۳	بخش دوم: مثل از دیدگاه شیخ اشراق
۴۴	مثل افلاطونی از دیدگاه شیخ اشراق
۴۴	نظام هستی شناسی از دیدگاه شیخ اشراق

کیفیت صدور عقول عرضیه (مثل نوریه).....	۴۶
کثرت ارباب انواع.....	۴۹
تفاوت‌های بین نفس و عقلی که ربّ النوع نامیده می‌شود.....	۵۰
کیفیت صدور نفس.....	۵۱
تمایز و اختلاف انوار مجردة عقلیه با یکدیگر.....	۵۱
آیا صور معلقه همان مثل افلاطونی است؟.....	۵۲
دلیل عدم این همانی صور معلقه و مثل افلاطون.....	۵۳
اشکالاتی بر مثل نو و پاسخ آن.....	۵۴
قالب بودن اصنام بر- مثل.....	۵۵
دلایل سهروردی در اثبات مثل.....	۵۶
در بیان قاعده‌ی امکان اشراق.....	۶۰
فوائدی مترتب بر قاعده امکان اشراق.....	۶۲
شرایط قاعده.....	۶۳
مطلبی در مورد دلیل سوم شیخ اشراق.....	۶۳
نقد نظریه سهروردی در باب مثل.....	۶۴
پاسخ به ایرادات.....	۶۷
ایراداتی دیگر بر نظریه مثل افلاطونی به قرائت سهروردی.....	۶۸
بخش سوم: مثل از دیدگاه ملاصدرا	۷۲
مثل افلاطونی از دیدگاه صدر المتالیهین.....	۷۳
تاویلاتی که از مثل شده همراه با نقد آن.....	۷۴
دیدگاه صدرالمتالیهین پیرامون مثل افلاطونی.....	۷۸
رابطه مثل با سایه‌ها از نظر ملاصدرا.....	۸۰
راه درک و دریافت مثل.....	۸۱
دلایل ملاصدرا برای اثبات مثل.....	۸۱
ذکر دو اشکال بر وجود مثل و پاسخ به آنها از دیدگاه ملاصدرا.....	۸۷
تقسیم و ترتیب عوالم واقع از نظر ملاصدرا.....	۸۹
دلالت قرآن بر وجود عالم مثل و عالم تجرّد.....	۹۰
بررسی نظریه ملاصدرا درباره‌ی ادراک مفاهیم کلی.....	۹۲

- ۹۳..... مبانی نظریه صدرالمتألهین پیرامون مثل و مفاهیم کلی
- ۹۴..... تلخیص نظریه‌ی ملاصدرا درباره‌ی حقیقت ادراک کلی
- ۹۶..... **بخش چهارم: مقایسه مثل از دیدگاه شیخ اشراق و صدرالمتألهین**
- ۹۷..... وجوه اختلاف نظر شیخ اشراق و ملاصدرا پیرامون مثل افلاطونی
- ۱۰۱..... مثل در قوس نزول و صعود
- ۱۰۱..... وجوه اشتراک دیدگاه شیخ اشراق و ملاصدرا پیرامون مثل افلاطونی
- ۱۰۴..... خلاصه و نتیجه‌گیری
- ۱۱۰..... منابع و مآخذ

پیشگفتار

نظریه‌ی مثل اولین بار در قرن پنجم قبل از میلاد توسط افلاطون طرح و تبیین شد تا راهی برای حل مسأله‌ی ثبات و تغییر که اندیشه‌های سوفسطائیان بواسطه آن رسیدن به معرفت حقیقی را غیر ممکن انگاشته بود پیدا کند.

ادله اثبات مثل همواره با دلایل نقضی و اشکالاتی همراه بوده است. که از جمله آنها می‌توان به روشن نبودن -گونگی ارتباط مثل با یکدیگر و نیز با اشیاء محسوس، مضاعف شدن هستی، عدم مماثلت در مشابهت میان اصنام و اصحاب اصنام اشاره کرد.

صدرالمتألهین در کتاب خرد نظریات فلاسفه اسلامی را مطرح می‌کند و نظر شیخ اشراق را به حق نزدیکتر می‌داند و بقیه را رد می‌کند موافقان مثل غالباً آنهاپی هستند که بواسطه تزکیه نفس و سیر مراتب تجرد بواسطه کشش و شرد به عالم مثل متصل شده‌اند و مخالفان کسانی هستند که تنها از دریچه استدلال بدنبال اثبات مثل بوده‌اند.

ارسطو معتقد بود وجود مثل محال و بی فایده و مضاعف کردن بی نتیجه اشیاء است. افلوطین و نو افلاطونیان ضمن پذیرش مثل واسطه‌ها را انکاری دادند. ابن سینا ضمن رد مثل افلاطونی به ماهیت لا بشرط اعتقاد داشت و علامه طباطبائی ضمن رد ادله شیخ اشراق، نقشی که شیخ اشراق برای مثل قائل شده را به عقل فعال داد و معتقد با این بود که مثل مرتبه مجرد نوع مادی است که در ماهیت با آن نوع مادی مشترک است.

شیخ اشراق در اثبات مثل از طریق نیاز قوای نباتی به محرکی مجرد و قائده امکان اشرف و نیازمندی انواع طبیعی در نظام جاری خود به مجردات مثل را اثبات می‌کند.

ملاصدرا پس از نقد براهین سهروردی خود ادله دیگری در اثبات مثل اقامه می‌کند این ادله مبتنی بر حرکت، ادراک و آثار حاصل از طبایع جسمانی است.

مهمترین وجه مشابهت نظر این دو فیلسوف اثبات جواهر مفارق عقلانی است، و مهمترین وجه اختلافشان این است که شیخ اشراق مماثلث و مشابهت بین اصنام و اصحاب اصنام را از هر جهت ضروری نمی‌داند اما ملاصدرا آن را از هر جهت ضروری می‌داند.

www.ketab.ir

مقدمه

نظریه مثل از جمله نظریاتی است که قرن‌هاست توجه متفکران و فلاسفه را به خود معطوف داشته است. عالم مثل یکی از مبانی مهم هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در میان فلاسفه معتقد این عالم می‌باشد. مهم‌ترین طراح و اولین نظریه پرداز پیرامون مثل و وجود عالمی که اصل اشیاء و حقیقت آنها در آن موجود می‌باشد افلاطون است. اگر چه نشانه‌هایی وجود دارد که این نظریه در مکتب سقراط و بعضی از فلاسفه پیش از او همچون پارمنیدس نیز به صورت خام مطرح شده است. این نظریه در زمان افلاطون توسط خود افلاطون به اوج رسید و بیشتر شهرت افلاطون بخاطر همین نظریه مثل است و پس از میلاد مسیح افرادی چون فیلون و فلوپتین این نظریه را برداشت و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و آن را در مباحث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در دسترس قرار دادند نظریه مثل در عالم اسلام با دو برخورد متفاوت مواجه شد. فلاسفه‌ای از قبیل شیخ اشراق، صدرالمتهلین آن را تایید کردند و پیرامون آن تالیفاتی هم داشته‌اند و برخی مانند ابن سینا و امام فخر رازی وجود آن را غیر ممکن می‌دانند. این نظریه بخصوص در فلسفه شیخ اسرا و ملاصدرا در بسیاری مسائل مانند علم، وجود ذهنی و علم الهی موثر بوده است و در برداشت او از آیات قرآن نیز تاثیر بسزائی داشته است. اگر چه این دو فیلسوف در مورد عالم مثل اختلاف نظر داشتند.

در این کتاب برآنیم که نظریه دو اندیشمند و فیلسوف بزرگ یعنی شیخ شهاب الدین سهروردی و ملاصدراى شیرازی را پیرامون نظریه مثل افلاطونی با هم مقایسه کنیم تا وجه اختلاف و اشتراک نظر آن دو روشن گردد و همچنین به بررسی لوازم معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی نظریه مثل بپردازیم.

وجود عالم مثل در عالم هستی به عنوان یکی از مراتب هستی مطرح می‌باشد. مثل از نظر افلاطون مجرد محض و ثابت و ازلی هستند.

در میان حکمای اسلامی حکمای مشاء به ویژه شیخ الرئیس وجود این عالم را انکار می‌کنند و گروهی آن را می‌پذیرند و بر وجود آن دلیل می‌آورند.

شیخ اشراق ضمن ادعای وجود این عالم بر اثبات آن استدلال کرده است اما به نظر می‌رسد در دفاع از مناقشات و دلایل خود آنچنانکه باید و شاید موفق نبوده است.

از جمله فلاسفه بزرگ دیگری که وجود عالم مثل را پذیرفته و بر آن دلایل محکم آورده است ملاصدرای شیرازی می‌باشد. صدرالمتهلین در قبول وجود عالم مثل به عرفان مراجعه کرده و آن چه خود و دیگر عرفا در سیر و سلوک عرفانی خود مورد شهود قرار داده بودند را استدلالی کرد و استدلالهای محکمی بر اثبات وجود عالم مثل ارائه کرد.

مهم‌ترین مطلبی که در این کتاب مد نظر است ارائه نظر این دو فیلسوف بزرگ و بیان نقاط اشتراک و افتراق نظرات آنان است. و در این راستا ضمن بیان استدلالات و بعضی مناقشات در رد و اثبات نظریات این دو مسائل فرعی دیگر پیرامون عالم مثل مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

www.ketab.ir